



بررسی مسوولیت‌های ناشی از عملکرد مدیران برنامه‌ی ورزشکاران نسبت به باشگاه‌ها در حقوق ورزشی

احمد یوسفی صادقلو^۱

زینب نوابی مقدم^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۰۲/۲۷

چکیده

مدیر برنامه یا کارگزاران رسمی^۳ بازیکنان و یا مربیان، عبارتند از اشخاصی که نماینده‌ی یک ورزشکار یا مربی، برای مذاکره و تأیید قرارداد با باشگاه‌ها و کمپانی‌ها بوده و با داشتن آگاهی از قوانین حقوقی و قواعد درست حرفه‌ای، می‌تواند با ایجاد یک ارتباط اصولی میان ورزشکار یا مربی با صاحبان تیم‌ها، بهترین منابع مالی را برای وی پیدا نموده و البته درصدی از مبالغ قراردادها را از ورزشکار یا مربی در قبال انجام خدمت خود به عنوان دستمزد دریافت کند. عبارتی، مدیر برنامه، چشم سوم و عقل مکمل ورزشکار یا مربی است، که دارای ماهیت حقوقی و واجد اوصاف نمایندگی بوده، و به همین دلیل علی‌الاصول با وجود لزوم درج امضا و مهر وی ذیل قرارداد فی مابین ورزشکار یا مربی با باشگاه، مسوولیتی متوجه این اشخاص نخواهد بود، مگر در مواردی خاص، که در قسمت مسوولیت آنها در قبال باشگاه مقصد مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها

مدیر برنامه ی ورزشی، کارگزاران رسمی بازیکن، دلال ورزشی، نهاد نمایندگی.

^۱ دکترای حقوق خصوصی از کشور فرانسه، دکترای افتخاری حقوق ورزشی از کشور روسیه، استادبار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسوول):

Email: a_yousefi_2005@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

Email: navabi.zinab@yahoo.com

^۳ Sports agent/program manager

مقدمه

گسترده‌ی روزافزون دنیای ورزش، باعث شده است که بازیکنان و یا مربیان (هرچند حرفه‌ای بوده باشند)، به دلایل مختلف، از جمله نداشتن وقت و یا تخصص کافی در یافتن موقعیت‌های مالی یا باشگاه مناسب و در نتیجه، عدم جذب، ضرر فراوانی را بعضاً متحمل شده و موجب کشف نشدن استعداد واقعی یک ورزشکار یا مربی و نهایتاً، استفاده نکردن از پتانسیل وجودی وی، در دنیای ورزش شود.

همین مسأله باعث ظهور افرادی شد که اکثراً به دلیل عدم نظارت کافی و نداشتن تخصص لازم در این زمینه، اشخاص فاقد صلاحیتی بودند که صرفاً از طریق جابجا نمودن بازیکن یا مربی و انجام مذاکرات مقدماتی، بدون داشتن اجازه نامه‌ی رسمی از مراجع ذی صلاح، مبالغ هنگفتی را در این زمینه کسب، و با این گونه اقدامات و ایجاد رانت دولتی و یا شخصی، ضربات جبران ناپذیری را به ریشه‌ی جامعه‌ی ورزشی وارد می‌آوردند. (امین: ۱۳۹۰، ۱۴۶۷۰۷) و پنهان بودن نام آنها موجب میشد علاوه بر فرار مالیاتی (به جهت عدم شفافیت مالی)، به هیچ عنوان امکان تعقیب این افراد وجود نداشته باشد.

در پی چاره اندیشی و مبارزه با این پدیده، در عرصه‌ی نقل و انتقالات و انعقاد قرارداد بازیکنان و مربیان و زیر سؤال رفتن قواعد اخلاقی، قوانین و مقرراتی برای زیر نظر گرفتن و قانون‌مند کردن این نهاد وضع شد. به گونه‌ای که قانونگذار صراحتاً در ماده‌ی ۱۲/۱ آیین نامه‌ی نقل و انتقالات بازیکنان حرفه‌ای فوتبال ایران مقرر داشت "هیچ فرد یا موسسه‌ای به عنوان نماینده یا مدیر برنامه‌ی بازیکنان یا مربیان به جز کارگزاران بین‌المللی و ملی حق مذاکره با باشگاه‌ها و بازیکنان و مربیان را ندارد" و یا ماده‌ی ۳۵/۶ آیین نامه‌ی نقل و انتقال بازیکنان به باشگاه‌ها، بدین شرح که "برای مبارزه با نفوذ دلالی و پدیده‌ی واسطه‌گری هیچ فرد یا مؤسسه‌ای به عنوان نماینده یا وکیل یا مدیر برنامه‌ی بازیکنان به جزء کارگزاران رسمی حق مذاکره با باشگاه‌ها و بازیکنان را ندارد"، و در ادامه، در بند ۳۵/۷ آیین نامه‌ی فوق، نهاد فدراسیون موظف به اعلام لیست کارگزاران رسمی شده است.^۱ به همین ترتیب قانون‌گذار در مقررات مختلف حاکم بر دنیای ورزش، مرتباً با معرفی کارگزاران و وضع قوانین، این افراد را نظارت می‌کند.

^۱ همچنین در خصوص وظیفه‌ی اعلام اسامی کارگزاران رک به ماده‌ی ۱۲/۲۱ آیین نامه‌ی نقل و انتقالات بازیکنان حرفه‌ای فوتبال ایران

با این مقدمه، مدیر برنامه یا کارگزار بازیکن یا مربی و یا به عبارتی دیگر نماینده ی ورزشی عبارتند از: نماینده ی یک ورزشکار یا مربی، برای مذاکره و تأیید قرارداد با باشگاه ها و کمپانی ها، که این فرد بایستی یک شخص صاحب صلاحیت در حرفه ی ورزشی بوده باشد که با داشتن آگاهی از قوانین حقوقی، نحوه ی تعامل، رفتارها و قواعد درست حرفه ای، بتواند با ایجاد ارتباط میان ورزشکار با صاحبان تیم ها بهترین منابع مالی را برای وی پیدا نموده و درصدی از مبالغ قراردادهای را از ورزشکار در قبال انجام خدمت خود دریافت کند.

بعبارتی مدیر برنامه، چشم سوم و عقل مکمل (امین، پیشین) ورزشکار یا مربی و عضله ی حقوقی^۱ وی می باشد.

متأسفانه با وجود اهمیت این نهاد رسمی و تلاش سوداگران در این عرصه، به جزء قوانین و مقررات کلی، مقالات ارزنده ای که به طور مستقیم به این مقوله پرداخته باشند، وجود ندارد، که به نظر می رسد، پژوهش حاضر، که با تحلیل مواد مرتبط با موضوع و موارد مربوط به آن، به روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده، با توجه به این که به صورت تخصصی به بیان ماهیت و مسؤولیت ویژه ی این افراد پرداخته است، در این زمینه حرفی نو برای گفتن داشته باشد. نتیجتاً این مقاله، با هدف تبیین ماهیت حقوقی نهاد کارگزاری (مدیر برنامه) و بعد از آن بررسی و تحلیل مسؤولیتی که کارگزار ممکن است، از جهت امضای قرارداد نمایندگی با ورزشکار یا مربی، در قبال باشگاه های مقصد پیدا کند، بعد از ذکر مقدمه در سه بخش (۱- ماهیت حقوقی، ۲- مسؤولیت مدیران برنامه ی ورزشکاران و مربیان و ۳- مراجع حل اختلاف) به رشته ی تحریر درآمده است.

۱. ماهیت حقوقی مدیران برنامه

با نگاهی به تعریف ارائه شده از مدیران برنامه و نقش واسطه گری آنها در انجام عمل خود، متوجه این موضوع می شویم که این تعریف بسیار شبیه به تعریف دلالی است. و اطلاق واژه ی دلال ورزشی به این قشر، در زبان عامیانه، این نکته را بیش از پیش در ذهن، تقویت می کند که ماهیت حقوقی قرارداد مدیران برنامه نوعی دلالی باشد. در یک تعریف ساده، دلال به فردی اطلاق می شود که با دارا بودن دانش و تخصص مخصوص، وجود مجوز قانونی و شناخت کافی از طرفین، در یک قرارداد، موجب تسهیل آن می گردد. یا به عبارتی دیگر مطابق ماده ی ۳۳۵

^۱ <http://work.chron.com/responsibilities-sports-agent-12927.html>

قانون تجارت^۱ کسی است که در مقابل اجرت، واسطه‌ی انجام معامله شده یا برای کسی که می‌خواهد معامله کند، طرف معامله پیدا می‌کند.^۲ نتیجه آنکه، نه تنها وظیفه‌ی دلال پیش از انعقاد قرارداد پایان می‌یابد، بلکه در قراردادی که با وساطت و تلاش وی و با بهره‌گیری از تخصص او منعقد می‌شود، اثری از شخص دلال در قرارداد دیده نشده و هیچ مسوولیتی از این جهت بر او بار نیست، حتی اگر بعداً فساد معامله یا تخلف کسی که از خدمات دلال استفاده نموده و وارد معامله شده آشکار شود (البته به شرط عدم مباشرت شخص دلال در این فساد). این در حالیست که یک مدیر برنامه، طبق تعریف ارایه شده از آن، نه تنها به عنوان یک واسطه برای بازیکن یا مربی تحت کارگزاری خود بهترین منبع مالی را پیدا می‌کند بلکه اثر و نقش وی، زمانی به اتمام می‌رسد که ذیل قراردادی که با تلاش خود به سرانجام رسانده را مطابق التزام قانونی حتماً امضا و مهر نماید.^۳ بنابراین برخلاف دلالی، این افراد به عنوان طرف سوم، در معامله حضور داشته و از این حیث مسوول هستند. نتیجتاً علی‌رغم شباهت‌هایی که در تعریف آنها وجود دارد، نهاد مدیر برنامه از مفهوم دلالی فاصله می‌گیرد.

اما به راستی این واسطه‌ها در قالب کدام نهاد حقوقی جای می‌گیرند؟ برای یافتن پاسخ این سوال به واژه‌ی "sports agent" دقت می‌کنیم. ترجمه‌ی واژه‌ی "agent" در عبارت (Sports agent) به معنای نمایندگی و دربرگیرنده‌ی مفهوم نیابت است. و همانطور که می‌دانیم، نهاد نمایندگی در واقع یک نوع رابطه‌ی حقوقی و سازمانیست که، به موجب آن یک طرف به عنوان اصیل^۴ به شخص دیگری با عنوان نماینده^۳، نیابت و اجازه‌ی عمل می‌دهد که معاملاتی را به نام و حساب وی انجام دهد. یا به عبارتی دیگر یک نفر اختیار انجام عمل حقوقی و در برخی موارد اعمال مادی را به نام و حساب شخصی که اصیل نامیده می‌شود پیدا می‌کند. و نماینده، براساس اختیاراتی که به وی تفویض شده از سوی اصیل، وارد عمل شده و در این صورت است که کلیه‌ی حقوق و تکالیف ناشی از عقد دامنگیر اصیل می‌شود. (منصوری: ۱۳۸۹، ص ۵۸)

منشأ این نمایندگی به جز بحث از افراد معاف در این زمینه^۴، قراردادی است که می‌تواند

^۱ ماده ی ۷/۱۴ آیین نامه ی کارگزاران رسمی فدراسیون فوتبال ایران "در کلیه ی قراردادهای بازیکن /مربی و باشگاه علاوه بر امضای طرفین ضروری است امضا و مهر کارگزار رسمی(داخلی) نیز وجود داشته باشد". همچنین است " ماده ی ۲۲/۳ آیین نامه ی کارگزاران رسمی فیفا".

^۲ Principal

^۳ Agency

^۴ مطابق ماده‌ی ۴ آیین نامه ی کارگزاران بازیکن فیفا

در نتیجه‌ی یک توافق صریح یا ضمنی باشد. و بنابراین می‌توان گفت: قرارداد کارگزاری در واقع نوعی توافق نمایندگی است که به موجب آن کارگزار، برای پیشبرد منافع اصیل یا کارفرما ی خود وارد عمل شده و در این مقام و ظرفیت اقدام می‌کند^۱ البته بایستی در نظر داشت که نمایندگی قراردادی، دارای مصداق‌های متعددی می‌باشد، و ماهیت حقوقی کارگزاری را نباید با مفهوم عقد وکالت که خود نوعی نمایندگی قراردادیست، اشتباه گرفت، چراکه وظیفه‌ی یک کارگزار، به عنوان نماینده‌ی یک ورزشکار یا مربی در واقع، مدیریت زندگی کاری مشتری خود بوده و مجموعه‌ای از اقدامات را در برمی‌گیرد که بخش اعظم آن امور مادی بوده و تنها یک قسمت آن امر حقوقی (تنظیم قرارداد) می‌باشد که آنهم ممکن است هرچند سال یکبار انجام شود، و حال آنکه عقد وکالت مطابق تعریف قانونی^۲ "یعنی اعطای نیابت و تنظیم قرارداد جهت انجام یک امر حقوقی". و به همین دلیل است که در ماده‌ی ۱۲/۶ آیین‌نامه‌ی نقل و انتقالات بازیکنان حرفه‌ای فوتبال به وکیل ورزشکار یا مربی، اجازه‌ی معرفی و مذاکرات مقدماتی با باشگاه مقصد اعطا شده اما مجوز وی به همین مرحله خلاصه شده و وکیل مذکور به هیچ عنوان حق امضاء، ذیل قرارداد فی مابین موکل خود (بازیکن یا مربی) با باشگاه مقصد را نخواهد داشت^۳. بنابراین علیرغم اینکه هر دو از نهاد نمایندگی قراردادی نشأت می‌گیرند، اما، از هم متمایز بوده و حتی از لحاظ حرفه‌ای نیز دو حرفه و صنعت متفاوت با مسوولیت‌های خاص خود می‌باشند^۳. به هر حال نماینده باید در حین عقد با ثالث، به قصد نیابت، عمل کند و این قصد را نیز جهت آگاهی ثالث از شخصیت طرف معامله حتماً ابراز نماید. (احمدی سجادی: ۱۳۷۷، ص ۷۵) اما نکته‌ای که در بحث کارگزاران باعث ایجاد یک علامت سؤال می‌شود، این است که با توجه به اینکه در نمایندگی فقط شخص نماینده با طرف ثالث وارد معامله می‌شود، در حالیکه در قرارداد فی مابین بازیکن و باشگاه، صراحتاً قانونگذار بر درج نمودن امضای مدیر برنامه ذیل قرارداد به عنوان طرف سوم تأکید نموده و حتی صرف امضای وی را کافی ندانسته و با درج حرف "و" در کنار امضاء، مهر وی را نیز الزام نموده‌است، آیا این مساله باعث مسوول شناختن

^۱ <https://sportslaw.uslegal.com/sports-agents-and-contracts/sports-agents-history-and-law>

^۲ ماده‌ی ۱۲/۶ "وکلائی حقوقی حتی در صورتی که مجوز فعالیت کارگزار بین المللی و ملی را ندارند اما با توجه به قوانین جاری مدنی ایران می‌توانند بازیکنان و مربیان را به باشگاه‌های مورد نظر معرفی و یا وارد مذاکره شده و از حقوق موکلین خود دفاع کنند اما حق امضا در ذیل قراردادهای بازیکنان و مربیان با باشگاه‌ها را ندارند و قرارداد نهایی توسط خود بازیکن یا مربی شخصاً منعقد می‌شود"

^۳ <http://sportsagentblog.com/2013/10/30/sports-agent-vs-sports-lawyer>

مدیر برنامه می‌شود یا خیر؟ که برای پاسخ این سؤال به مفهوم اعطای نیابت برمی‌گردیم و این که واسطه‌بودن نماینده مقتضی ورود مستقیم آثار ناشی از عمل حقوقی بر ذمه‌ی اصیل است. و اگر حالت غیرمستقیم پیدا نماید، که در این صورت دیگر عنوان نمایندگی بر آن صدق نخواهد کرد. (قنواتی: ۱۳۸۰، ص ۳۰) بنابراین حتی با وجود امضاء نماینده، ذیل قرارداد فی‌مابین بازیکن و باشگاه، باز هم آثار ناشی از عقد به دلیل اقتضای نمایندگی دامنگیر نماینده نشده، مگر مواردی که نماینده خارج از حدود اذن مرتکب تقصیر و باعث ضرر شده یا باعث بی‌اعتباری امضای خویش ذیل قرارداد شود که در مبحث بعد به آن اشاره خواهد شد (کاتوزیان: ۱۳۸۸، ص ۸۸).

از طرفی دیگر، با دقت در حق الزحمه‌ی کارگزار، که در قسمت هفتم ماده‌ی ۷ آیین‌نامه‌ی کارگزاران داخلی فدراسیون مقرر شده، اظهارات فوق مورد تایید قرار می‌گیرد، زیرا علی‌رغم اینکه در نگاه اول و طبق واژه‌های به کاررفته در ماده، اینطور به نظر می‌رسد که، کارگزاران در واقع شرکای افراد تحت نمایندگی خویش در مبالغ حاصل از قراردادهای منعقد فی‌مابین آنها و باشگاه‌ها می‌باشند (مستحق دریافت درصدی از مبلغ قرارداد)، اما با توجه به ادامه‌ی ماده و مذاقه در مفهوم شراکت و سهیم شدن شرکا در نفع و ضرر همدیگر و حال آنکه، عدم جاری شدن این حکم به استناد قسمت نهم ماده‌ی هفت از آیین‌نامه‌ی فوق، به نظر می‌رسد منظور اصلی قانون‌گذار در واقع "معادل" درصدی از مبلغ حاصله از قرارداد فی‌مابین بازیکن یا مربی از باشگاه باشد.^۱ که نتیجتاً و با این تفاسیر بایستی امضای کارگزار یا نماینده را ذیل یک قرارداد صرفاً از تشریفات و الزامات شکلی آن تلقی نمود.

۲. مسوولیت مدیران برنامه‌ی ورزشکاران یا مربیان

۲-۱. تبیین مسوولیت‌های مدیران برنامه در قبال باشگاه‌های مقصد

^۱ (ماده ۷/۷ "کارگزار محق است حداکثر تا هشت درصد از کل قرارداد منعقد فی‌مابین بازیکن/ مربی و باشگاه را با ذکر جزئیات پرداخت قرارداد از بازیکن و یا مربی، برابر توافق فی‌مابین به عنوان حق اجرت (مدیر برنامه) دریافت و سه درصد آن را به عنوان حق الثبت و حق واگذاری امتیاز کارگزاری به حساب بانکی فدراسیون فوتبال طبق مقررات آیین‌نامه واریز نماید. این مبلغ نیز جهت امر توسعه و آموزش - فوتبال پایه مصروف خواهد شد. و ماده‌ی ۷/۹. آیین‌نامه‌ی مذکور "بدیهی است در صورت پرداخت پاداش، حقوق از سوی باشگاه به بازیکن/ مربی اجرتی به کارگزار تعلق نمی‌گیرد یا در صورت تنبیه مالی بازیکن/ مربی و یا فسخ قرارداد با باشگاه از اجرت تعیین شده کارگزار در قرارداد مبلغی کسر نخواهد شد."

پیرامون مطالبی که در قسمت ماهیت حقوقی مدیران برنامه مطرح گردید و همچنین مفهوم نمایندگی، فی مابین مدیر برنامه، بازیکن یا مربی و باشگاه (به عنوان شخص ثالث) سه نوع رابطه ایجاد می شود:

- ۱- رابطه‌ی بین مدیر برنامه یا نماینده ورزشکار با بازیکن یا مربی "که با تنظیم قرارداد نمایندگی، ایجاد می شود"
 - ۲- رابطه‌ی بین بازیکن یا مربی با باشگاه (که قرارداد مذکور، محصول تلاش و مذاکره‌ی نماینده‌ی ورزشکار یا مربی با باشگاه می باشد)
 - ۳- رابطه‌ی بین مدیر برنامه یا نماینده با باشگاه (که در مواردی، در نتیجه‌ی تخلف از الزامات مقرر شده، برای مدیر برنامه، موجبات مسوولیت وی فراهم می شود)
- و همچنین رابطه‌ای که وی در هر حال به عنوان یک عضو با سازمان تحت پوشش، اعم از فدراسیون داخلی^۱ یا بین‌المللی^۲ دارد. با این حال از آنجا که موضوع پژوهش حاضر صرفاً پیرامون رابطه‌ی بین مدیر برنامه‌ی بازیکن یا مربی در قبال باشگاه مقصد می باشد، تنها به تحلیل آن دسته از وظایف و الزاماتی از کارگزار پرداخته می شود که در صورت تخطی از آنها، به باشگاه مقصد، این حق را اعطا می نماید که بتواند علیه کارگزار ورزشی وارد یک دعوا شود. با این مقدمه به ذکر این موارد می پردازیم: مطابق قواعد و مقررات مربوطه، از جمله آیین‌نامه‌ی داخلی کارگزاران رسمی: قراردادهای منعقدہ فی مابین بازیکن یا مربی و باشگاه با امضای سه تن معتبر خواهند بود:

- ۱- بازیکن یا مربی به عنوان یک طرف قرارداد
- ۲- باشگاه مقصد به عنوان طرف دیگر قرارداد
- ۳- مدیر برنامه به عنوان نماینده‌ی ورزشکار یا مربی

از نگاه قانونگذار، تاثیر امضای کارگزار یا مدیر برنامه به عنوان نماینده‌ی بازیکن یا مربی ذیل یک قرارداد، آنقدر حائز اهمیت بوده، به گونه‌ای که صرف امضای وی را کافی ندانسته و ضمیمه نمودن مهر این اشخاص را نیز تاکید نموده و این موضوع از الزامات شکلی قرارداد در نظر گرفته شده است.^۳ اما همانطور که در بحث ما هیت حقوقی بیان شد، کارگزار یا مدیر

¹ IRIFF

² FIFA

^۳ ماده ی ۱۴/۱۷ آیین نامه ی داخلی کارگزاران رسمی

برنامه، بیش از یک واسطه یا نماینده نمی‌باشد. و علی‌الاصول زمانی که وی به موجب قرارداد نمایندگی، اجازه‌ی صریح یا ضمنی از سوی اصیل داشته باشد و هویت واقعی موکل و رابطه‌ی نمایندگی برای ثالث هویدا و وی از آن آگاه بوده باشد (آنگونه که در اینجا اینچنین است)، نماینده، برای اقدامات انجام شده در درون حوزه‌ی عمل خود مسئول نخواهد بود و قواعد بحث نیابت نیز مساله‌ی فوق را تایید می‌کند و به این ترتیب، کلیه‌ی مفاد الزام آور عقد مستقیماً متوجه شخص ورزشکار یا مربی خواهد بود. و اگر وی، از مفاد قرارداد تخلف کند نمی‌توان مسوولیتی را متوجه شخص نماینده دانست (احمدی سجادی، پیشین، ص ۷۶) مگر اینکه شخص نماینده اجرای مفاد عقد را تضمین نموده باشد، و یا بنا به دلایلی اصل قرارداد به دلیل بی‌اعتباری امضای نماینده (که از الزامات و شرایط شکلی قرارداد است) از اعتبار بیافتد و یا موارد قانونی دیگری که شخص نماینده موجب زیان رساندن به باشگاه مقصد می‌شود. (کاتوزیان، پیشین).

البته بایستی در نظر داشت که بخش عمده‌ی مسوولیت‌های این حوزه قراردادی است (مسوولیت‌هایی که علیه کارگزار در قبال باشگاه مقصد قابل طرح و متصور است) اما بسیاری از عهدشکنی‌ها هم ناشی از قوانین و ضمان آور است و به حقوق و تعهدات مصرح و عمومی اعضای یک قرارداد مربوط می‌شود. وزمینه‌ی مناسبی را برای امکان جمع مسوولیت‌های قراردادی و غیرقراردادی در اختیار زیان دیده (که در اینجا باشگاه مقصد می‌باشد)، در انتخاب مبنای دعوی خسارت به وجود می‌آورد. (ساریخانی: بیتا، ص ۱۰) البته قراردادهای به طور کلی شامل دو نوع از الزامات می‌باشند:

- ۱- الزاماتی که به طور مستقیم از مفاد آن ناشی شده است
- ۲- الزاماتی که به صورت ثانوی و از روح قرارداد مستفاد می‌گردد (به عبارت دیگر از محتوای قرارداد به آن پی می‌بریم) که دومی ریشه در قانون دارد. و به تعبیری می‌توان مورد دوم را از الزامات قانونی تلقی نمود، ولی از آنجا که این الزامات زمانی تبدیل به مسوولیت می‌شوند که، قراردادی فی مابین طرفین منعقد شده و در نتیجه‌ی تخلف از این الزامات، به اعتبار قرارداد خدشه وارد شود، می‌توان به تعبیری در قالب مسوولیت قراردادی نیز آنها را بررسی نمود. چراکه پذیرش مسوولیت قراردادی به عدالت و انصاف نزدیک‌تر می‌باشد، (و به نفع باشگاه مقصد به عنوان شخص ثالث خواهد بود) و به صرف نقض آن و خدشه به اعتبار یک قرارداد می‌توان به مراجع ذیصلاح جهت جبران خسارت و یا به تجویز ماده‌ی ۳۳/۵. آیین‌نامه داخلی کارگزاران رسمی "برای اعمال مجازات" رجوع نمود. که ماده‌ی مذکور مقرر می‌دارد:

((هر فرد که تابع اساسنامه و مقررات فیفا است از جمله کارگزاران اگر به شیوه‌ای عمل کند که منجر به نقض قرارداد بین بازیکن حرفه‌ای با باشگاه شود تا انتقال بازیکن را امکان پذیر سازد با مجازات روبرو خواهد شد)) در حالیکه در برابر یک مسئولیت غیرقراردادی و خارج از قرارداد، زمانی که شخص کارگزار در ظاهر، دارای مجوزات لازم برای انجام کار می‌باشد، اصل بر صلاحیت و اعتبار وی بوده، و چاره‌ای جز اثبات تقصیر توسط زیان دیده وجود نخواهد داشت. که در بعضی موارد اثبات تقصیر بسیار دشوار خواهد بود. با این توضیح انواع الزامات مترتب بر مدیر برنامه که تخلف از آنها موجب مسئولیت وی در قبال باشگاه مقصد (طرف ثالث) می‌شود، عبارتست از:

۱-۱-۲) الزاماتی که تخلف از آنها، صرفاً تخلف انضباطی و موجب ورود ضرر می‌باشد:

۱-۱-۱) مواردی که با بی اعتبار ساختن امضای نماینده، ذیل قرارداد فی مابین ورزشکار یا مربی با باشگاه مقصد، باعث بی اعتباری قرارداد فوق می‌شود که خود به دو دسته تقسیم می‌شود:

- بی اعتباری مجوز فعالیت کارگزار: این موارد در مواد ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ آیین‌نامه‌ی کارگزاران فیفا، مواد ۳، ۴، ۵ و ۷ آیین‌نامه‌ی کارگزاران داخلی فدراسیون فوتبال^۱ و همچنین ماده‌ی ۱۲/۷ آیین‌نامه‌ی نقل و انتقالات بازیکنان حرفه‌ای فوتبال ایران^۲ بیان شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، این موارد، پیش شرط‌هایی هستند که پایه و اساس صدور مجوز لازم برای فعالیت یک کارگزار بوده و از آنجا که این موارد بایستی در تمام مدت کار حرفه‌ای یک کارگزار جاری باشد، بدیهی است که هر زمان که خلاف این موارد توسط کمیته‌ی اخلاقی که وظیفه‌ی اعمال نظارت و ارزیابی مستمر کارگزاران را برعهده دارد^۳ کشف شود، کمیته‌ی فوق می‌تواند نسبت به فرد اعمال تنبیه نموده و با توجه به اینکه در واقع با فقدان این شرایط اعتبار

^۱ "این موارد شامل: ۱- شرایط لازم جهت شرکت در آزمون، ۲- انجام پروسه‌ی آزمون و همچنین اقدامات و الزامات لازم جهت شروع به کار است"

^۲ "قرارداد بین بازیکن و مربی با کارگزار رسمی بین‌المللی و ملی با شرایط ضمن عقد حداکثر به مدت ۲۴ ماه از سوی طرفین منعقد و در مدت زمان ۳۱ روز پس از تاریخ انعقاد قرارداد می‌بایست در روابط امور بین‌المللی فدراسیون ثبت شود و بدیهی است پس از انقضای مهلت ۳۱ روزه، مفاد، شرایط و تعهدات ضمن عقد مندرج در قرارداد باطل و از درجه‌ی اعتبار ساقط است"

^۳ "ماده‌ی ۳-۲ آیین‌نامه‌ی کارگزاران رسمی داخلی که مقرر میدارد "اعمال نظارت و ارزیابی عملکرد و مستمر کارگزاران از سوی ارکان نظارتی و اخلاق فدراسیون در راستای فوتبال پاک و بازی‌های جوانمردانه."

مجوزی که بر پایه‌ی این موارد صادر شده است نیز از بین می‌رود، این اعمال تنبیه، بی‌شک در جهت لغو یا توقیف پروانه و یا لغو صلاحیت وی خواهد بود، و این موضوع از آنجا که کاشف از فساد قبلی بوده، با اثر قهقرایی خود، ابتدا باعث بی‌اعتباری قرارداد نمایندگی شده ((و از آنجا که مجوز نماینده جهت انجام اقدامات خود به نیابت از ورزشکار به موجب این قرارداد بوده و حال آنکه این قرارداد اعتبار خود را از دست داده است)) در نتیجه باعث بی‌اعتباری امضای وی و نهایتاً نیز موجب انتفای قرارداد فی مابین ورزشکار با باشگاه می‌شود. و حتی مورد اخیر (به استناد متن ماده) از آنجا که خود به خود باطل و از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد، نیازی به لغو یا اعلام بی‌اعتباری نیز نخواهد داشت.

• اقدامات خارج از حدود مجوز: مطابق ماده‌ی ۱۲ آیین‌نامه‌ی کارگزاران داخلی که مقرر می‌دارد "تنها افرادی می‌توانند کارگزار رسمی بازیکنان خارجی شوند که رسماً کارگزار فیفا بوده و امتحانات مورد نظر فیفا را با موفقیت گذرانده باشند. بر همین اساس نقل و انتقالات بازیکن خارجی برای لیگ‌های داخلی و انتقال بازیکنان داخلی به لیگ‌های خارجی برای کارگزاران داخلی ممنوع است."

و همچنین است، ماده‌ی ۷/۱۱ آیین‌نامه‌ی فوق که مقرر می‌دارد "خارج از قرارداد فیما بین (فرم شماره هفت آیین‌نامه) هر گونه اخذ و کالت محضری از بازیکن/مربی توسط کارگزار به هر دلیل و عنوانی اعم از کوتاه مدت و یا بلند مدت، ممنوع و تخلف از مقررات بوده از نظر فدراسیون از درجه اعتبار ساقط است."

که در این صورت چون سمت و مجوزات لازم را در اختیار ندارد، نتیجتاً امضای وی و به دنبال آن قراردادی که امضای وی ذیل آن درج شده نیز بی اعتبار خواهد بود.

۲-۱-۲) اگر نماینده‌ی ورزشکار، حسن اجرای قرارداد فی مابین ورزشکار یا مربی با باشگاه مقصد را تضمین نموده باشد. به عبارتی اگر ضامن اجرای قرارداد منعقد شده توسط بازیکن یا مربی شود. که این موضوع با توجه به قاعده‌ی اقدام و همچنین صدور جواز آن توسط قواعد عمومی قراردادهای و البته عدم وجود منع خاصی در این زمینه معتبر است، که در این صورت اگر توافق خاصی جهت تقسیم مسوولیت مقرر نشده باشد تابع قواعد عمومی خواهد بود.

۳-۱-۲) کشف هرگونه فساد یا عملکرد خلاف، که مطابق ماده‌ی ۹/۲ آیین‌نامه‌ی کارگزاران رسمی فدراسیون فوتبال ایران که مقرر نموده "هر گونه کشف فساد و عملکرد خلاف واقع در قرارداد فیما بین کارگزار، بازیکن/مربی و یا باشگاه باعث اعمال تنبیهات مندرج در ماده هشت آیین‌نامه توسط کمیته اخلاق فدراسیون خواهد شد. بدیهی است باشگاه طرف قرارداد در

صورت مغبون و متضرر شدن از سوی کارگزار و یا بازیکن / مربی می تواند شکایت جداگانه‌ای به رکن قضایی جهت احقاق حق خود، تسلیم نماید.^۱ بنابراین علاوه بر اینکه موضوع یک تخلف انضباطی و فرد خاطی محکوم به اعمال تبهات می باشد، باشگاه مقصد می تواند در صورت ورود ضرر اقدام به طرح دعوا علیه کارگزار نماید، که البته با توجه نقش نمایندگی کارگزار در قراردادهایی که یک طرف آن باشگاه مقصد می باشد، به نظر می رسد تحقق مسوولیت مترتب بر کارگزار، در این ماده در جایست که ۱- این فساد حالت قهقراپی داشته و حکایت از ابطال قرارداد نمایندگی و بی اعتباری امضای کارگزار باشد، ۲- این فساد و ورود خسارت، مربوط به قبل از انعقاد قرارداد و هنگام مذاکرات مقدماتی فی مابین کارگزار و باشگاه مقصد بوده باشد،^۱ ۳- و یا نهایتاً اینکه این فساد، با مساعدت کارگزار با بازیکن یا مربی انجام شده و خسارت وارده به هر دو قابل انتساب باشد. که البته هر کدام از این موارد بایستی توسط باشگاه مقصد به اثبات برسد و تنها در صورت اثبات این موضوع، کارگزار، قابل تنبیه و یا مجازات خواهد بود.^۲

۲-۱-۲) الزاماتی که تخطی از آنها نه تنها تخلف انضباطی و موجب ورود ضرر می باشد بلکه به دلیل جرم بودن و داشتن عنوان مجرمانه، قابلیت تعقیب کیفری را نیز دارند:

۲-۱-۲) "اقدام به جعل و یا تقلب در اسناد و مدارک"، که مطابق ماده ۹/۵ آیین‌نامه‌ی داخلی کارگزاران رسمی "جعل و تقلب هر گونه اسناد و مدارک به هر علت و منظوری از سوی کارگزار و یا متعاقدين مصداق تخلف آشکار محسوب شده و در صورتی که کارگزار مقصر باشد، توقیف پروانه کارگزار برای دو فصل ورزشی را باعث خواهد شد و در شرایط حاد ابطال مجوز را در پی خواهد داشت." همچنین ماده ۶۱ آیین‌نامه‌ی انضباطی فیفا که برای کارگزار خاطی ممنوعیت از شرکت در فعالیت های ورزشی برای یک دوره‌ی حداقل دوازده ماهه در نظر گرفته شده است. و از طرفی دیگر، با توجه به اینکه طبق ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این عمل، به دلیل دارا بودن عنوان مجرمانه قابل مجازات می‌باشد، کارگزار متخلف از

^۱ ماده ۲۰/۱۸ آیین‌نامه‌ی نقل و انتقال بازیکنان حرفه‌ای فوتبال در این خصوص مقرر می‌دارد " خسارات وارده بر باشگاه‌ها بر اثر عقد قرارداد یا بازیکنان یا مربیان مصدوم و یا محروم و یا ممنوع فعالیت از سوی ارکان قضایی فدراسیون قبل از عقد قرارداد به عهده‌ی کارگزار می باشد....." و این موضوع که فقط کارگزار در این خصوص مسول باشد، نیازمند اثبات رابطه‌ی سببیت میان ورود خسارت با فعل کارگزار خواهد بود.

^۲ ماده ۱۹ آیین‌نامه‌ی انضباطی فیفا "هر فردی که به صورت عمدی در انجام یک تخلف چه به عنوان فرد متخلف و یا شریک فرد متخلف باشد، قابل مجازات و تنبیه خواهد بود"

سوی محاکم کیفری نیز تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱) تبانی و کشف فساد، موضوع ماده‌ی ۱۰ آیین‌نامه‌ی داخلی کارگزاران رسمی " بازیکن / مربی حرفه‌ای، شخصی است که قرارداد مالی با یک باشگاه داشته باشد. بر همین اساس در صورتی که باشگاه طرف قرارداد به هر دلیلی اعم از عدم تمکین بازیکن/ مربی از قوانین باشگاه، رفتارهای خارج از عرف، مصدومیت قبلی مخفی نگاه داشته شده، زد و بند، تبانی، صغر و کبر سنی، جعل عنوان و یا هویت، تقلب، عدم پایبندی به مفاد قرارداد، غیبت، دوپینگ و سایر موضوعات که از سوی بازیکن / مربی و یا کارگزار متضرر و مغبون شده باشد، باشگاه می‌تواند با ارائه اسناد و ادله، نسبت به احقاق حقوق، از طریق رکن انضباطی فدراسیون اقدام نماید. متقابلاً در صورتی که حقی از بازیکن / مربی از سوی باشگاه طرف قرارداد تضییع شده باشد مراتب می‌بایست به رکن انضباطی فدراسیون جهت اقدام قانونی ارجاع گردد." صرف نظر از اینکه برخی موارد مذکور در ماده، صرفاً تخلف بوده و باعث ورود ضرر، لیکن، از آنجا در بعضی از مصداق‌های خود حاوی عنوان مجرمانه می‌باشد ذیل این قسمت قرار گرفته است (مانند جعل عنوان یا هویت و یا تبانی و زد و بند) و همانطور که در مواد فوق مقرر گردیده، کارگزار در این خصوص چه اصالتاً و یا با مشارکت فرد تحت نمایندگی خود، مقصر بوده باشد علاوه بر متخلف بودن و محکوم شدن به جبران ضرر و زیان، در صورت جرم بودن عمل، قابل مجازات نیز خواهد بود، که البته در هر صورت این موضوع نیاز به اثبات داشته و بار اثبات این قضیه برعهده ی باشگاه مقصد می‌باشد.^۱

۳-۲-۱) و نهایتاً مطابق ماده‌ی ۳۳/۵ آیین‌نامه‌ی پیشنهادی نقل و انتقال بازیکنان به باشگاه‌ها که مقرر می‌دارد "هر فردی که تابع اساسنامه و مقررات فیفا می‌باشد، از جمله کارگزاران، اگر به شیوه‌ای عمل نمایند که منجر به نقض قرارداد فی مابین بازیکن حرفه‌ای (یا مربی) با باشگاه شوند، تا انتقال بازیکن را امکان پذیر نمایند با مجازات روبرو خواهند بود، که مجازات و تنبیهاتی که ممکن است توسط مراجع قضایی برای یک کارگزار متخلف پیش‌بینی و اعمال شود عبارتند از: لغو یا توقیف مجوز و .. (که با توجه به اینکه در ماده‌ی فوق، مجازات و

^۱ ماده‌ی ۲۰/۲۱ آیین‌نامه‌ی نقل و انتقال بازیکنان حرفه‌ای فوتبال که مقرر می‌دارد "کارگزاران می‌بایست خود از ضرر و زیان و تبعات استفاده از داروهای ممنوعه (دوپینگ) آگاه بوده و عواقب سوء آن را قبل از معرفی به باشگاه مورد نظر پوشزد نماید و در صورت وقوع چنین پدیده‌ی شومی علاوه بر محرومیت خاطی، کارگزار نیز مشمول تنبیهات انضباطی از سوی کمیته ی پزشکی (کنترل دوپینگ) و ارکان قضایی و سازمان لیگ فوتبال خواهد بود."

اعمال تنبیهات در کنار یکدیگر و با حرف ربط "و" بیان گردیده بنابراین اگر اعمال کارگزار در مجموع قابل انطباق با عناوین مجرمانه باشد، جرم نیز تلقی شده، و اگر یک تخلف باشد صرفاً قابل تنبیه خواهد بود)، در آخر خاطر بیان این نکته حایز اهمیت می‌باشد که بررسی مسولیت کارگزاران، صرف نظر از این است که آیا واقعا نیز اعمال، قابلیت طرح در محاکم عمومی را تحت عنوان یک جرم خواهند داشت یا خیر. (به دلیل تفکراتی که در دنیای ورزش در خصوص حل و فصل اختلافات به شیوه ی داخلی وجود دارد).

۳. مراجع حل اختلاف

همانطور که در فوق بدان اشاره شد، در دنیای ورزش این نگرش وجود دارد که اختلافات ناشی از آن، بایستی در دنیای ورزش حل و فصل گردد. و این تاکید هم در قوانین فیفا و هم در اساسنامه‌ی فدراسیون مشاهده می‌شود، که صراحتاً در ماده‌ی ۱۱ و ماده‌ی ۱۴ قوانین مذکور، این موضوع مورد تذکر واقع شده، بدین شرح که " کلیه اختلافات و دعاوی را صرفاً در شورای حل اختلاف، ارکان قضایی فدراسیون و دادگاه حکمیت ورزشی (CAS) حل و فصل نماید و از ارائه‌ی دعاوی به دادگاه‌های عمومی خودداری نماید". و همچنین قسمت اخیر ماده‌ی ۱۴ اساسنامه که مقرر شده " بدیهی است اعضا برای رسیدگی به دادخواست‌های خود در هیچ شرایطی نباید به دادگاه‌های عمومی مراجعه نمایند".

صرف نظر از این تاکید، همانطور که در قسمت قبل بیان شد، بعضی از تخلفات، علاوه بر اینکه یک تخلف انضباطی بوده و مستلزم اعمال تنبیهات و جبران خسارت در نهادهای ذیصلاح ورزشی، به دلیل داشتن عنوان مجرمانه، قابلیت تعقیب جزایی نیز خواهند داشت، که در بعضی موارد به دلیل وجود جنبه‌ی الزامی در جرم ارتكابی، مانند جعل اسناد، حتی تعقیب کیفری از سوی محاکم دادگستری الزامی می‌باشد، که با این اوصاف به نظر می‌رسد تبصره‌ی بند هشت ماده‌ی ۱۱ آیین‌نامه‌ی کارگزاران داخلی که مقرر می‌دارد " در صورت صلاحدید فدراسیون، مراتب به سایر مراجع ذیصلاح ارجاع خواهد شد دارای ضمانت اجرا نباشد" چرا که همانطور که در بالا بیان شد اگر جرم واقع شود تعقیب کیفری الزامی است، حتی اگر فدراسیون در این خصوص تصمیمی نگرفته باشد. فارق از جرم بودن برخی تخلفات: گفتیم که تخطی، از الزامات مقرر در قانون و منعکس در قرارداد موجب تعقیب انضباطی و به دلیل ورود ضرر به زیان دیده (باشگاه مقصد) مستلزم جبران خسارت است، که بر همین اساس، ماده‌ی ۱۱ اساسنامه‌ی فدراسیون فوتبال ایران، مقرر می‌دارد " کلیه‌ی اختلافات و دعاوی ناشی از ورزش صرفاً بایستی

از طریق سه مرجع حل و فصل گردد: {۱- شورای حل اختلاف (موضوع ماده‌ی ۶۸)^۱، ۲- دادگاه حکمیت ورزش (موضوع ماده‌ی ۶۷)^۲، ۳- رکن قضایی فدراسیون و فیفا (موضوع ماده‌ی ۲۰)} که مطابق ماده‌ی اخیر منظور از اساسنامه: رکن قضایی شامل {کمیته‌ی انضباطی، کمیته‌ی استیناف، و کمیته‌ی اخلاق} می‌باشد. و وظایف هرکدام از ارکان قضایی در آیین‌نامه‌ی انضباطی فدراسیون بدین شرح مقرر شده است که: رسیدگی به کلیه‌ی تخلفات انضباطی و خسارات مادی و معنوی ناشی از تخلفات مشمول این آیین‌نامه، برعهده‌ی کمیته‌ی انضباطی، و رسیدگی به موارد تخلف از اخلاق حرفه‌ای و نظارت و بررسی مستمر اقدامات کارگزاران و وجود شرایط لازم در آنها از وظایف کمیته‌ی اخلاق فدراسیون بوده و تجدید نظر از احکام صادره از این دو رکن، برعهده‌ی کمیته‌ی استیناف می‌باشد. که این ارکان، با اعمال تنبیهات مقرر در قوانین ورزشی و تعیین میزان خسارات وارده، عدالت را در حوزه‌ی ورزشی برقرار می‌سازند.

نتیجه‌گیری

همانگونه که در ابتدای بحث بیان شد، کارگزاران ورزشی از یک طرف به عنوان شخص سوم در یک قرارداد، نقش مهمی را از لحاظ شکلی و تشریفات مورد نیاز آن قرارداد، برعهده دارند، و از طرف دیگر به دلیل اینکه ماهیت حقوقی نهاد کارگزاری، (از آنجا که نوعی نمایندگی قراردادی می‌باشد) برپایه‌ی اعطای نیابت بوده، از این جهت به عنوان یک نماینده، علی‌الاصول مسوولیتی از حیث اقدامات فرد تحت نمایندگی خویش، برعهده ندارد، مگر در مواردی که ذیل

۱ " در هر گونه اختلاف و منازعات بین مقامات رسمی فدراسیون، اعضا، مجمع، بازیکنان، مربیان، هیاتهای استانها، تشکیلات لیگ و آژانسها که در آیین نامه انضباطی به آن اشاره نشده و در محدوده کار رکن قضایی نباشد و یا همچنان مورداعتراض باشد، فدراسیون از طریق تشکیل شورای عالی حل اختلاف به موضوع رسیدگی خواهد نمود. آئین نامه نحوه تشکیل و اداره این شورا توسط هیأت رئیسه و بر اساس دستورالعمل های فیفاتصوب می شود. اعضای این شورا بر اساس آئین نامه ابلاغی فیفا تعیین می شوند."

۲ " ۱- بر طبق مواد ۸۴ و ۶۱ اساسنامه فیفا، هرگونه فرجام خواهی علیه احکام نهایی صادره توسط فیفا و یا کنفدراسیون باید در دادگاه بین‌المللی حکمیت ورزشی CAS که در شهر لوزان سوئیس قرار دارد مورد رسیدگی واقع شود. دادگاه حکمیت به مواردی مانند تخلف از قوانین داوری و تعلیق مسابقات تا چهار بازی یا سه ماه رسیدگی نخواهد کرد. ۲- آرای نهایی صادره از فیفا و دادگاه حکمیت لازم الاجرا بوده وفدراسیون، اعضا، بازیکنان، مربیان و آژانسها ملزم به اجرای آن هستند."

عنوان مسولیت کارگزاران، مورد بررسی قرار دادیم. و در این خصوص، فارق از اینکه مسوولیت مدیر برنامه در قبال باشگاه مقصد را قراردادی یا خارج از قرارداد در نظر بگیریم، الزامات کارگزار در مقابل باشگاه مقصد را بدین نحو تقسیم نمودیم: دسته‌ی اول الف) الزاماتی که تخطی از آن، صرفاً تخلف انضباطی و موجب ورود ضرر می باشد: که شامل سه مورد و بدین شرح بیان شد: ۱- مواردی که با بی اعتبار ساختن امضای نماینده، ذیل قرارداد فی مابین ورزشکار یا مربی با باشگاه مقصد، باعث بی اعتباری قرارداد فوق می شود، ۲- زمانیکه کارگزار، ضامن حسن اجرای قرارداد فی مابین بازیکن یا مربی با باشگاه شده، و نهایتاً ۳- کشف فساد یا عملکرد خلاف واقع. و دسته‌ی دوم ب) الزاماتی بودند که تخطی از آنها نه تنها تخلف انضباطی و موجب ورود ضرر می باشند بلکه به دلیل جرم بودن قابلیت تعقیب کیفری را نیز دارند. مانند: جعل و تقلب و یا تبانی و کشف فساد. که این تخلفات، در مراجع حل اختلاف ورزشی مورد رسیدگی قرار می گیرند، لیکن همانگونه که بیان گردید، علیرغم تاکید جامعه‌ی ورزشی به بررسی و حل و فصل اختلافات در دنیای ورزش و عدم مراجعه به مراجع ذیربط قضایی و محاکم عمومی، به نظر می رسد در برخی جرایم به دلیل جنبه‌ی عمومی جرم، جلوگیری از طرح شکایت در محاکم عمومی، نه تنها مفسده‌هایی را به دنبال دارد بلکه تعقیب کیفری آن نیز الزامیست، حتی اگر جامعه‌ی ورزش، اجازه‌ی طرح این نوع شکایت را نداده باشد. ضمن اینکه صرف نظر از این مراجع، به نظر می رسد ایجاد نهادها و کمیته‌های تخصصی در خصوص نظارت، پیشگیری و رسیدگی اختصاصی بر اعمال کارگزاران بسیار حایز اهمیت بوده و با وجود این نهادها، از حجم دعاوی ارجاع شده به کمیته‌های ورزشی نیز کاسته شود.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- ۱- احمدی سجادی، علی، "ماهیت حقوقی نمایندگی تجاری و مصادیق آن در حقوق ایران" مجله‌ی مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، شماره‌ی اول، زمستان ۱۳۷۷.
- ۲- امین، شاهین، "بی‌نام‌ها می‌خواهند ایجنت باشند" وبلاگ خبر آنلاین، کد مطلب: ۱۴۶۷۰۷، تیر ۱۳۹۰.
- ۳- ساریخانی، عادل، "حقوق و تکالیف ورزشی"، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (فصلنامه‌ی بصیرت)، سال دهم، شماره‌ی ۳۰ و ۳۱.
- ۴- قنواتی خلف آبادی، خلیل، "نظریه‌ی کلی نمایندگی در حقوق ایران و انگلیس" پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، سال ۱۳۸۰.
- ۵- کاتوزیان، ناصر، "قواعد عمومی قراردادها"، شرکت سهامی انتشار، جلد دوم، سال ۱۳۸۸.
- ۶- منصور، فرنگتاج، "نمایندگی مدنی در حقوق ایران"، ماهنامه‌ی کانون، شماره‌ی ۱۰۳، فروردین ۱۳۸۹.
- ۷- قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱.
- ۸- اساسنامه‌ی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰.
- ۹- اساسنامه‌ی نقل و انتقالات بازیکنان حرفه‌ای فوتبال ایران مصوب ۱۳۹۳.
- ۱۰- آیین‌نامه‌ی داخلی کارگزاران رسمی فوتبال در امر نقل و انتقالات بازیکنان و مربیان مصوب ۱۳۹۱.
- ۱۱- آیین‌نامه‌ی پیشنهادی نقل و انتقال بازیکنان به باشگاه‌ها مصوب ۱۳۹۲.
- ۱۲- آیین‌نامه‌ی انضباطی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- ۱۳- آیین‌نامه‌ی انضباطی فیفا نسخه‌ی ۲۰۱۱.

ب) انگلیسی

- 14- Regulations Players' Agents 2008.
- 15- <https://sportslaw.uslegal.com/sports-agents-and-contracts/sports-agents-history-and-law>
- 16- <http://sportsagentblog.com/2013/10/30/sports-agent-vs-sports-lawyer>.
- 17- <http://work.chron.com/responsibilities-sports-agent-12927.html>